صدای پیشگیری

مال باختن یا جان باختن؟

نکاتی پیرامون رویارویی با زورگیران در خیابان‌ها که به کارتان می‌آید

ابوعطا| رویارویی با زورگیران در کوچه و خیابان یکی از اتفاق‌های ترسناکی است که امکان دارد برای شهروندان رخ دهد. بارها واکنش شهروندان در برابر سارقان موجب شده است تا فرد نه تنها مالش را از دست بدهد، بلکه جانش نیز به خطر بیفتد یا سلامتی‌اش دچار مخاطرات جدی شود. این اتفاق چندی پیش در بولوار الهیه مشهد هم تکرار شد و پسری جوان نه‌فقط گوشی گران‌قیمتش را از دست داد، بلکه بر اثر اصابت چاقو، به‌نوعی کارش را هم از دست داد. چون مربی ورزشی بود و دیگر نمی‌توانست کارش را ادامه بدهد. اکنون یک پرسش جدی مطرح است؛ اگر در کوچه و خیابان با زورگیران روبه‌رو شدیم، چه کنیم؟ سرهنگ احمد نگهبان، فرمانده انتظامی مشهد، به این پرسش پاسخ می‌دهد.

- هنگام پیاده‌روی و عبور از خیابان‌ها، تلفن همراه و وسایل گران‌قیمتتان را در معرض دید عموم قرار ندهید.
- از رفت‌وآمد در مسیرهای فرعی و در ساعات خلوت به‌ویژه در ساعات پایانی شب به‌صورت پیاده خودداری کنید.
- در مسیرهای خلوت یا تاریک سعی کنید تنها نباشید.
- لوازم گران‌قیمت مانند طلا و گوشی به همراه نداشته باشید.
- اگر طلا یا کالای باارزشی همراه دارید، آن را در خیابان به‌نمایش نگذارید تا سارقان هم به طمع سرقت به شما نزدیک نشوند.
- برای جابه‌جایی کالاهای گران‌قیمت یا وجوه نقد از تاکسی‌های امن استفاده کنید. اتوبوس و خودروهای عبوری انتخاب خوبی نیستند.
- هنگام روبه‌روشدن با افراد زورگیر خون‌سردی‌تان را حفظ کنید و نترسید.
- اگر سارقان خودرو یا موتورسیکلتی به همراه دارند، مشخصات وسیله نقلیه آن‌ها و مشخصات ظاهری فرد یا افراد زورگیر را به خاطر بسپارید و در اسرع وقت آن را یادداشت کنید.
- همواره توجه داشته باشید که حفظ جان از حفظ مال مهم‌تر است. پس با سارقان درگیر نشوید.
- درصورتی که فرد سارق از شما گوشی تلفن همراه یا کیف پولتان را خواست، آن را به او تحویل ندهید و کیف را به سمتی دور، ترجیحا در حیاط منزل مجاور پرتاب کنید. ممکن است این شانس وجود داشته باشد که دزد به کیف شما بیش از خود شما علاقه نشان دهد و به سمت کیف برود. در این لحظه شما فرار کنید و با صدای بلند از اهالی کمک بخواهید و هرگز درگیر نشوید.
- مراتب را سریع به پلیس ۱۱۰ اطلاع دهید و با حفظ خون‌سردی، همه اطلاعات را در اختیار مأموران پلیس قرار دهید.

خبر

جزئیاتی تازه از تخلیه خانه ضایعاتی جنجالی

ابوعطا| سال‌ها بود که مرد شصت‌وپنج‌ساله وزن چهل‌وپنج‌ساله‌اش شبانه‌روزی مشغول جمع‌آوری طلای کثیف از خیابان‌ها بودند و هرچه را جمع می‌کردند، با انتقال به خانه اسرارآمیزشان در خیابان ابوطالب ۲۴ انباشته می‌کردند، آن هم بدون توجه به همسایگان که بوی شدید زباله و همچنین وجود حیوانات موذی آن‌ها را کلافه و سرگردان کرده بود. اکنون و پس از گذشت سال‌ها از این اقدام کثیف این زوج زباله‌گرد که دارای چند خانه دیگر هستند و از لحاظ مالی هیچ مشکلی ندارند، با هماهنگی‌های قضایی و پلیسی و تلاش پاکبان‌های شهرداری این منزل تخلیه و پلمب شد.

به گفته سرهنگ احمد نگهبان، فرمانده انتظامی مشهد، پس از بازدیدهای میدانی و تأیید موضوع انباشت زباله و نگهداری احشام و دیگر حیوانات در این منزل مسکونی ویلایی و پس از هماهنگی قضایی، مأموران کلانتری شفا همراه با نماینده اداره بهداشت و شهرداری منطقه و اداره دام‌پزشکی به این خانه وارد شدند و عملیات تخلیه آغاز شد.

البته زوج میان‌سال مقابل مأموران نیز قصد مقاومت داشتند و اجازه ورود به این خانه سیاه را نمی‌دادند، اما با وجود حکم قضایی، مأموران عملیاتشان را ادامه دادند و درنهایت این زوج میان‌سال که نتوانسته بودند با سروصدا و جنجال کاری از پیش ببرند، از داخل کیسه‌های زباله مقدار زیادی وجه نقد دسته‌بندی‌شده خارج کردند.

در این محل هفت رأس گوسفند، تعداد زیادی مرغ و خروس و مرغابی و شش گربه نگهداری می‌شد و علاوه بر بوی بد زباله، بوی فضولات احشام و طیور نیز از سر کوچه به مشام می‌رسید. عملیات تخلیه این خانه از ساعت ۸:۳۰ شروع شد و تا ساعت ۱۵:۳۰ ادامه داشت و ۱۰ کامیون آشغال و ضایعات از داخل حیاط و زیرزمین خارج شد. متأسفانه به‌علت حجم زیاد زباله‌ها، عملیات تخلیه و پاک‌سازی هنوز کامل نشده است.

گپ‌وگفت با دکتر ابراهیم خالقی، مسئول واحد فراهم‌آوری اعضا و نسوج پیوندی دانشگاه علوم پزشکی مشهد

مرگ مغزی پایان زندگی، کُما نه!

گفت‌وگوی اختصاصی

عکس: سعید گلی | شهرآرا

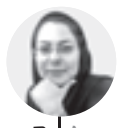

لیلا کوچک‌زاده
خبرنگار

قرار نیست این گزارش احساسات شما را برای رضایت‌دادن اهدای عضو عزیزانتان، در صورت مرگ مغزی، برانگیزد یا اینکه حتما شما را تشویق کند که کارت اهدای عضو را پر کنید، اما شنیدن این موضوع اهمیت دارد که بدانیم مردم کشور اسپانیا اگر در اهدای عضو در جهان سرآمد هستند و از هر یک‌میلیون نفر، چهل نفر اهداکننده وجود دارد، دلیلش کار فرهنگی مداوم مسئولان این کشور برای فرهنگ‌سازی اهدای عضو است. آن‌ها می‌گویند خانواده‌ای که عزیزش مرگ مغزی شده است، اگر در عرض دوسه‌ماه گذشته مطلبی درباره اهدای عضو به گوشش نخورده باشد، هرگز رضایت نمی‌دهد. هدف ما هم عنوان دوباره این موضوع اما با پرداختی تازه است. برای همین به بیمارستان منتصریه که بیشتر عمل‌های پیوند عضو استان‌های خراسان در آن انجام می‌شود، رفتیم و به گفت‌وگو با دکتر ابراهیم خالقی، مسئول واحد فراهم‌آوری اعضا و نسوج پیوندی دانشگاه علوم‌پزشکی مشهد پرداختیم.

او می‌گوید در سال ۱۴۰۰ عدد شاخص اهدای عضو در ایران یازده تن بوده است. در استان‌های خراسان اما با عدد ۲۲، دوبرابر میزان کشوری، اهداکننده داریم و این را می‌گذارد پای فرهنگ‌سازی و اطلاع‌رسانی. ولی نکته مهمی در حرف‌هایش وجود دارد، ناآگاهی مردم درباره تفاوت مرگ مغزی با کما، موضوع مهمی که افراد را در اهدای عضو دچار تردید می‌کند و برنامه پربیننده «زندگی پس از زندگی» که این روزها در ماه مبارک رمضان پخش می‌شود، این باور اشتباه را تقویت کرده است.

در خوش‌بینانه‌ترین حالت، چند عضو از فرد مرگ مغزی می‌تواند اهدا شود؟

هشت عضو؛ دو کلیه، دو ریه، قلب، کبد، پانکراس و روده. این عضوها ارگان‌های توپر هستند، اما تا پنجاه بافت قابلیت اهدا دارد؛ مانند پوست، استخوان، قرنیه، غضروف، تاندون عضلات و...

کدام پیوند عضو نسبت به بقیه فراوانی بیشتری دارد؟ دلیلش را چه می‌دانید؟

پیوند قرنیه. هر انسانی دو قرنیه دارد و درنتیجه تعداد اهدایش هم بیشتر می‌شود. پارسال در استان‌های خراسان هم این عمل با ۲۳۴ پیوند، از بقیه بیشتر بوده است. اما مهم‌تر از این، در بدن ارگان‌هایی به نام ارگان‌های توپر داریم؛ مثل کبد، کلیه و قلب و ریه که این اعضا فقط تا زمانی که جریان خون در بدن برقرار باشد، قابل برداشت هستند. اگر بیماری دچار ایست قلبی شود، کمتر از نیم‌ساعت فرصت دارید که این عضوها را بردارید. ولی درباره بافت نسوج این گونه نیست. قرنیه هم جزو نسوج است. پوست و استخوان نیز همین وضع را دارند. اهدای نسوج گاهی تا ۷۲ ساعت پس از ایست قلبی افراد و حتی پس از اینکه جنازه به سردخانه برده می‌شود نیز امکان‌پذیر است. یعنی می‌شود قرنیه‌ها یا پوست یا استخوان را برداشت. درنتیجه این هم در فراوانی‌اش تأثیر می‌گذارد.

پرکردن کارت اهدای عضو چه فایده‌ای دارد، وقتی باز هم به رضایت خانواده متوفی در هنگام مرگ مغزی نیاز است؟

قانون می‌گوید در صورت مرگ مغزی، وراث کبیر قانونی باید برای اهدای عضو اجازه بدهند، اما پرکردن فرم اهدای عضو را باید به‌منزله وصیت دانست که اتفاقا کار خانواده متوفی را آسان می‌کند. خانمی آمده بود و می‌گفت من صددرصد با اهدای عضو همسرم مخالفم. متوفی هم کارت اهدای عضو پر نکرده بود. اما همین خانم خودش گفت که همسرش بارها گفته است که اگر مرگ مغزی شد، اعضایش را اهدا کنید. بنابراین اگر افراد این کار اخلاقی و انسانی را قبول دارند، حتما فرم‌های اهدای عضو را پر کنند یا به خانواده و نزدیکانشان این رضایت را اعلام کنند.

علت‌هایی که خانواده‌ها راضی به اهدا نمی‌شوند، چیست؟

چندین دلیل وجود دارد؛ مانند اعتقاد به معجزه، باورنداشتن به مرگ مغزی، ترس از مثله‌شدن متوفی و ترس از تأخیر در مراسم تدفین. ترس از سرزنش مردم هم وجود دارد.

گفتید افرادی که به مرگ مغزی باور ندارند، با اهدای عضو مخالفت می‌کنند؟ دلیل این موضوع را چه می‌دانید؟

افراد زیادی هستند که تفاوت بین کما و مرگ مغزی را نمی‌دانند. بارها اتفاق افتاده که مریضی در کما بوده است و نزدیکانش درخواست کرده‌اند که اهدای عضو انجام شود و گفته‌اند حتی خود فرد هم وصیت کرده است، اما طبق بررسی، فرد در کما بوده است و در وضعیت کما، امکان اهدای عضو نیست. وقتی کارکرد سلول‌های مغز ضعیف می‌شود، می‌گوییم فرد در کماست، اما وقتی این فعالیت کاملا متوقف شود، مرگ مغزی است. در صورت کما، هنوز سلول‌های مغز زنده هستند و کار می‌کنند، ولی خیلی ضعیف. در خیلی از موارد، کم‌کم این سلول‌ها هم از کار می‌افتند و فرد دچار ایست قلبی و فوت می‌شود، اما در مرگ مغزی دیگر سلول زنده‌ای در بافت مغز وجود ندارد. یعنی بافت مغز له شده و آب شده است.

آیا همه پیوندهای عضو، اهدایی و ناشی از مرگ‌های مغزی است؟ درباره افرادی که مثلا قصد فروش کلیه‌شان را دارند و آگهی‌هایی هم منتشر می‌کنند، چه اتفاقی می‌افتد؟

بله، همه پیوندهای مرگ مغزی، اهدایی است، اما درباره افراد زنده، سه عمل برای برداشتن عضو قابل انجام است. چون ما دو کلیه داریم و با یکی هم می‌شود زندگی کرد، اهدای کلیه شدنی است. عمل کبد هم انجام‌شدنی است. چون کبد ما یک لُب بزرگ و کوچک دارد که لب کوچک را می‌شود برداشت و به گیرنده کم‌وزن اهدا کرد. در موارد نادری هم عمل ریه انجام می‌شود، اما در ایران بیشتر عمل کلیه داریم. درباره افرادی هم که قصد فروش کلیه دارند، این اتفاق با نظارت وزارت بهداشت و با عنوان مصالحه اتفاق می‌افتد. گیرندگان و دهندگان عضو در انجمن‌های حمایت از بیماری مربوط، توافق‌هایشان را انجام می‌دهند. بعد به ما مراجعه می‌کنند و باقی مراحل اینجا اتفاق می‌افتد.

چندسال پیش در مشهد خبری منتشر شد که فردی آگهی‌هایی برای فروش قرنیه و قلبش منتشر کرده بود. آیا از نظر علمی اصلا چنین پیوندی می‌تواند اتفاق بیفتد؟

جواب کاملا مشخص است؛ مگر می‌شود برای پیوند قلب، یک نفر را کشت یا برای پیوند قرنیه، یک نفر را کور کرد؟! باید یک پزشک قاتل باشد که چنین اقدامی انجام دهد. پس از این خبر، مشکل‌های بسیاری برای ما درست شد که تا چندین ماه ادامه پیدا کرد.

درباره مسائلی بگویید که گیرندگان پس از دریافت عضو با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند.

باید گفت که ۸۰ درصد بیماران از عمل پیوند سود می‌برند. درباره بیماران قلب، ریه و کبد چاره‌ای نیست و بیمار یا باید پیوند شود یا جانش را از دست می‌دهد. اما در پیوند کلیه سه راه درمان داریم؛ دو نوع دیالیز و پیوند. فرد می‌تواند یکی از این سه راه را انتخاب کند که هرکدام مزایا و معایبی دارد. در دیالیز سیستم ایمنی فرد ضعیف نمی‌شود، اما در پیوند عضو، سیستم ایمنی بدن برای دریافت عضو با مصرف داروهایی ضعیف می‌شود.

افراد معتاد می‌توانند اهداکننده عضو باشند؟

خیر، غیرقانونی است. از نظر علمی هم شدنی نیست. در همه جای دنیا قانون همین است. از افراد اهداکننده کلیه حتما تست اعتیاد گرفته می‌شود.

اهدای عضو به خارجی‌ها چگونه است؟ شدنی است؟

قانونی به نام «ایرانین مدل» داریم که طبق آن، مثلا فرد عمانی و عراقی که نارسایی کلیه دارد و می‌خواهد عمل پیوند را انجام دهد، نمی‌تواند از ایرانی کلیه بگیرد. ما به او می‌گوییم از کشور خودت پیونددهنده به ایران بیاور، ما برایت عمل را اینجا انجام می‌دهیم.

وضعیت پیوند عضو در کشورهای همسایه یا غرب آسیا چگونه است؟

عمل پیوند عضو را باید قله علم و جراحی در جهان محسوب کرد و جزو افتخارات علمی هر کشوری دانست. این عمل‌ها در غرب آسیا فقط در چند کشور ازجمله ایران انجام می‌شود. در عراق و افغانستان و پاکستان پیوندی انجام نمی‌شود، یا خیلی اندک است، ولی ما در همین بیمارستان منتصریه پارسال هشتاد پیوند کلیه، هفتاد پیوند کبد، هفت پیوند قلب و چهل پیوند کلیه داشتیم؛ نزدیک به دویست عمل توپر. اگر در بیمارستان کشورهای اروپایی سالیانه این تعداد عمل انجام شود، آن بیمارستان را بر تارک آن کشور می‌کوبند، ولی ما اینجا به اهمیت این موضوع توجهی نداریم.

به نظر شما چه عواملی باعث می‌شود که خانواده‌های مرگ مغزی اهدای عضو را بپذیرند؟

فقط بحث اخلاقی است. البته در ماه مبارک رمضان و به‌ویژه شب‌های قدر، این آمار افزایش می‌یابد. در ماه صفر و تاسوعا و عاشورا نیز همین‌طور است. مردم ما در ایثار و فداکاری چیزی کم ندارند، اما نقش اطلاع‌رسانی‌های مداوم و درست در این زمینه خیلی مهم است. در تلویزیون ملی ما و در برنامه «زندگی پس از زندگی» توضیح نمی‌دهند یا یادآوری نمی‌کنند که کسی امکان بازگشت دوباره‌اش به زندگی وجود دارد که در کما باشد، نه مرگ مغزی. تفاوتش را هم توضیح دادم. این باعث می‌شود که نتوانیم از خانواده‌ها رضایت بگیریم. آن مادر که دست‌ودلش برای اهدای عضو می‌لرزد، می‌گوید خودم در این برنامه دیدم که بیماری دو هفته در کما بوده، ولی برگشته است. من هم می‌روم حرم و دعا می‌کنم که شفای فرزندم را بگیرم. درصورتی که فرزندش مرگ مغزی شده است و از نظر علمی امیدی به بازگشتش نیست.

آقای دکتر! اگر یکی از نزدیکان یا بهتر است بگوییم عزیزانتان دچار مرگ مغزی شوند، حاضرید برای اهدای اعضایشان رضایت بدهید؟

راستش دعایی که همیشه می‌کنم، این است که خدایا، بستگان من را مرگ مغزی نکن. چون خیلی سخت است. ولی از طرفی نمی‌توانم رضایت ندهم. صادقانه می‌گویم که واقعا دوست ندارم. خب بچه‌ات است و دلت می‌سوزد. وعده غذایی قبلی‌ات را با او خوردی، ولی باید در کمتر از ۲۴ ساعت تصمیم به این بزرگی بگیری.

جدول ۳۷۲۱